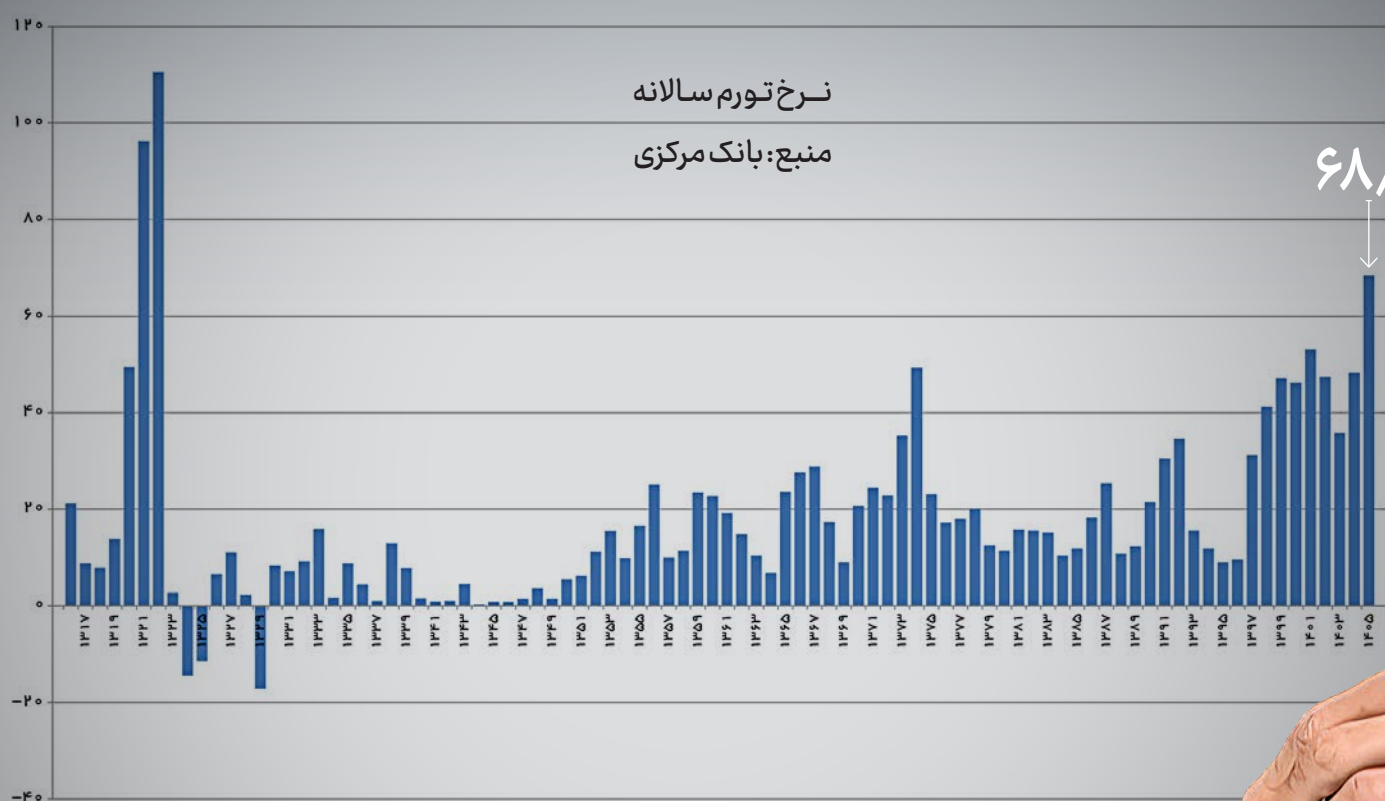
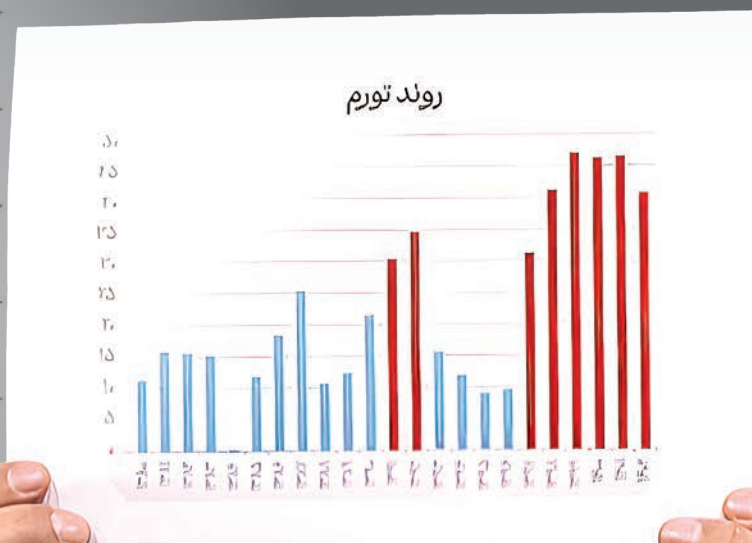


رئیس‌ی متهم شد پزشکیان رکورد زد!

علت رکوردزنی دولت چهاردهم در نرخ تورم
حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت‌ها
در بازارهای مواد غذایی و صنایع مختلف
است و ارتباطی به جنگ ندارد



۶۸٫۴



بر اساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه در شهریور ۱۴۰۵ به ۶۸٫۴ درصد رسید که بالاترین رقم از سال ۱۳۲۳ تاکنون است.
نرخ تورم سالانه در پایان دولت شهید رئیسی ۴۰٫۲ درصد بود که با انتقادات گسترده پزشکیان در زمان انتخابات مواجه شد.



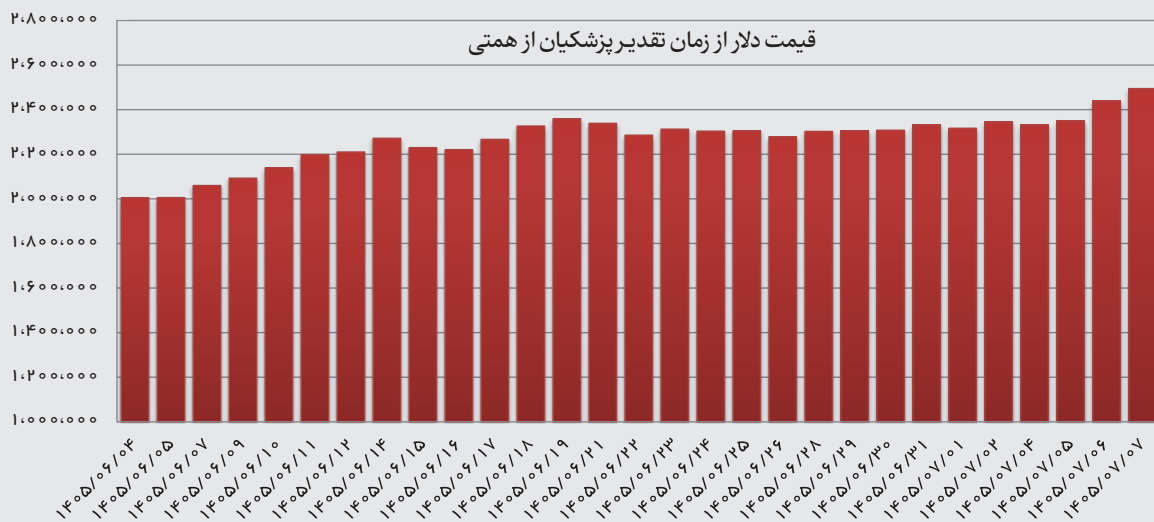
«علیرضانوی»، نماینده مجلس در گفت‌وگو با چارسوگ مطرح کرد:

مدیریت ارزی بانک مرکزی افتضاح است



- دشمن در محاصره دریایی و هوایی ایران شکست خواهد خورد
- ایران توانایی شکستن محاصره دریایی با نیروی نظامی را دارد
- با تدبیر رهبر شهید تا پایان سال ۱۴۰۶ ذخیره کالاهای اساسی در کشور داریم
- محاصره دریایی تأثیر مورد انتظار آمریکایی‌ها بر ایران را نداشته است
- تلاش دولت در جنگ اقتصادی هنوز کافی نیست
- دولت مسائل اصلی کشور را رها کرده و به حاشیه‌ها چسبیده است
- عدم وجود فرماندهی واحد در پایانه‌های مرزی روند تجارت کشور را مختل کرده است
- مدیریت ارزی بانک مرکزی افتضاح است
- همتی و مدیران او هنوز درک نکرده‌اند که در شرایط جنگ اقتصادی هستیم
- جز سفره مردم و سلامت آن‌ها هیچ اولویت ارزی دیگری برای تخصیص ارز قابل قبول نیست
- بانک مرکزی وسط جنگ اقتصادی به خودرو و گوشی لوکس خارجی ارز تخصیص می‌دهد
- چندین وزیر دولت پزشکیان در صف استیضاح از سوی مجلس قرار دارند
- انتظار داریم پزشکیان خودش وزرای ضعیف کابینه را برکنار کند
- دشمن غلطی کند آماده خروج از NPT هستیم
- بودجه ۱۴۰۵ بالاتر از بودجه ۱۴۰۴ بود
- دولت پزشکیان نظارت روزانه بر بازار ندارد
- دولت با تخصیص کالایرگ خودش را راحت کرده و وظایف نظارتی‌اش را انجام نمی‌دهد
- باید با محترمانه در شرایط جنگی برخورد جدی شود
- مشکل ما نه محاصره دریایی آمریکا بلکه کم‌کاری‌های خودمان است
- پزشکیان و مدیرانش باید پاسخگوی گرانی‌ها باشند
- وقوع قحطی در ایران غیرممکن است
- مگر همتی مدیر کم‌تجربه‌ای است که با اظهاراتش بازار ارز را ملتهب می‌کند

افزایش ۵۰ هزار تومانی دلار پس از تقدیر پزشکیان از همتی



از زمان تقدیر پزشکیان از همتی، تاکنون دلار ۵۰ هزار تومان گران‌تر شده است. ۴۰ شهریور ۱۴۰۵ که پزشکیان از «همت والا» و مساعی صادقانه عبدالناصر همتی «با اهدای لوح، تقدیر کرد قیمت دلار ۲۰۰ هزار تومان بود و اکنون به بیش از ۲۵۰ هزار تومان رسیده است. مشخص است که همت والا و مساعی صادقانه همتی در یک ماه گذشته مضاعف شده است و جادار پزشکیان بار دیگر از او تقدیر به عمل آورد.





ریاض از اروپا بنزین گدایی می‌کند

✂ عربستان سعودی که تا دیروز یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گازوئیل و بنزین در جهان بود، حالا به دلیل حملات یمن و از کار افتادن خط لوله شرق-غرب، مجبور شده‌ از اروپا و مدیترانه سوخت بخرد. حملات نیروهای مسلح یمن به زیرساخت‌های حیاتی عربستان، این کشور را در موقعیتی قرار داده که پیش‌تر برای بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان خرید سوخت از بازارهای جهانی قابل تصور نبود: عربستان سعودی تا پیش از این حملات، خود یک صادرکننده بزرگ گازوئیل و بنزین بود. براساس آمار رسمی، این کشور در سال ۲۰۲۵ بیش از ۵۴۱ میلیون بشکه فرآورده نفتی صادر کرده بود که گازوئیل با ۲۴۷ میلیون بشکه (۴۵.۷ درصد) و بنزین با ۱۱۰ میلیون بشکه (۲۰.۴ درصد) سهم اصلی را داشتند. اما اکنون با از کار افتادن خط لوله شرق-غرب، هدف قرار گرفتن پالایشگاه جازان و بسته شدن مسیرهای صادراتی، این معادله به کلی برعکس شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که از ۱۵ سپتامبر هیچ نفتکش سعودی از مسیر دریای سرخ عبور نکرده و عربستان به یک واردکننده موقت فرآورده‌های نفتی تبدیل شده است.

آرامکو به دنبال گازوئیل و بنزین

شرکت آرامکو در هفته‌های اخیر به دنبال خرید هزاران تن گازوئیل از حوضه مدیترانه و بنزین از اروپا بوده است. به نوشته بلومبرگ، منابع آگاه بازار می‌گویند این شرکت پیشنهاد خرید محموله‌های گازوئیل را از طریق یک سامانه قیمت‌گذاری «پلاتس» و طی چند هفته ارائه کرده است.

معامله‌گران همچنین از جست‌وجوی آرامکو برای خرید بنزین از اروپا خبری می‌دهند. نکته مهم آنکه این فعالیت‌های پیش از حمله اخیر به خط لوله شرق-غرب آغاز شده بود و همزمان با حملات ماه‌های گذشته به تأسیسات تولید سوخت شدت گرفته است. آرامکو تاکنون از اظهارنظر در این باره خودداری کرده و مشخص نیست آیا خریده‌ها نهایی شده یا محموله‌ها به کدام مشتریان تحویل داده خواهد شد. خط انتقال شرق-غرب پس از حملات متعدد از کار افتاده است. نیروهای مسلح یمن اعلام کرده‌اند پالایشگاهی در یمن را هدف قرار داده‌اند؛ اقدامی که پس از اعلام هدف قرار گرفتن تأسیسات جازان صورت گرفت. توقف این خط، انتقال نفت خام به ساحل غربی عربستان را دشوارتر کرده؛ مسیری که زمانی نقش جایگزین را در شرایط اختلال در تنگه هرمز ایفا می‌کرد.

تأثیر بر مشتریان اروپایی

اختلال در عرضه عربستان، برخی خریداران اروپایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. اس‌اندپی گلوبال گزارش داده که آرامکو نتواند تحویل محموله‌های نفت خام برنامه‌ریزی شده برای سپتامبر (شهریور و مهر) را تقو یا به تعویق انداخته است؛ از جمله محموله‌هایی برای گروه «اورلن» لهستان که در ۱۶ سپتامبر اعلام کرد ۱۶ محموله اضافی برای جبران کمبود عرضه عربستان خریداری کرده است که این موضوع به نفت خام مربوط می‌شود و ارتباطی قطعی با خرید دیزل و فرآورده‌های سوختی توسط آرامکو ندارد.

قیمت گازوئیل زیر فشار شدید

عرضه‌های آرامکو در شرایطی ارائه می‌شود که قیمت گازوئیل اروپا به شدت بالا رفته است. بر پایه ارزیابی‌های پلاتس، قیمت محموله‌های گازوئیل کم‌گوگرد در شمال غرب اروپا در ۱۵ سپتامبر به ۱۶۴۲.۲۵ دلار در هر تن رسید که بالاترین رقم از آغاز انتشار این ارزیابی است. محموله‌های مشابه در مدیترانه نیز ۱۶۶۴.۷۲ دلار در هر تن ثبت شدند. حاشیه پالایش گازوئیل در منطقه آمستردام-روتردام-آنتروپ نیز به ۸۵/۱۶ دلار در هر بشکه رسید. پلاتس تأکید کرده که اختلال عرضه و کاهش ذخایر، بازار فرآورده‌های میانی از جمله دیزل را تحت فشار نگه داشته است.

هرمز؛ بازگشت اجباری به مسیری پرهزینه

تحولات حمل‌ونقل دریایی نشان می‌دهد عربستان به ناچار و از سراستیصال به تنگه هرمز بازگشته است؛ مسیری که پیش‌تر تصادراتش از آن به شدت کاهش یافته بود و حالا در سراسر تاریخ تازه همراه است. پس از بسته شدن عملی تنگه هرمز با جنگ علیه ایران، عربستان نتوانست با فعال سازی خط لوله شرق-غرب، بخشی از صادرات خود را به دریای سرخ منتقل کند و از این تنگه پرخطر دور بماند.

اما با توقف این خط لوله در پی حملات، ریاض ناچار شد صادرات خود را دوباره به سمت هرمز بازگرداند. در ۲۴ سپتامبر، لویزر لیست گزارش داد عبور نفتکش‌های غول‌پیکر مرتبط با عربستان از تنگه هرمز به بالاترین سطح هفتگی از آغاز جنگ رسیده است.

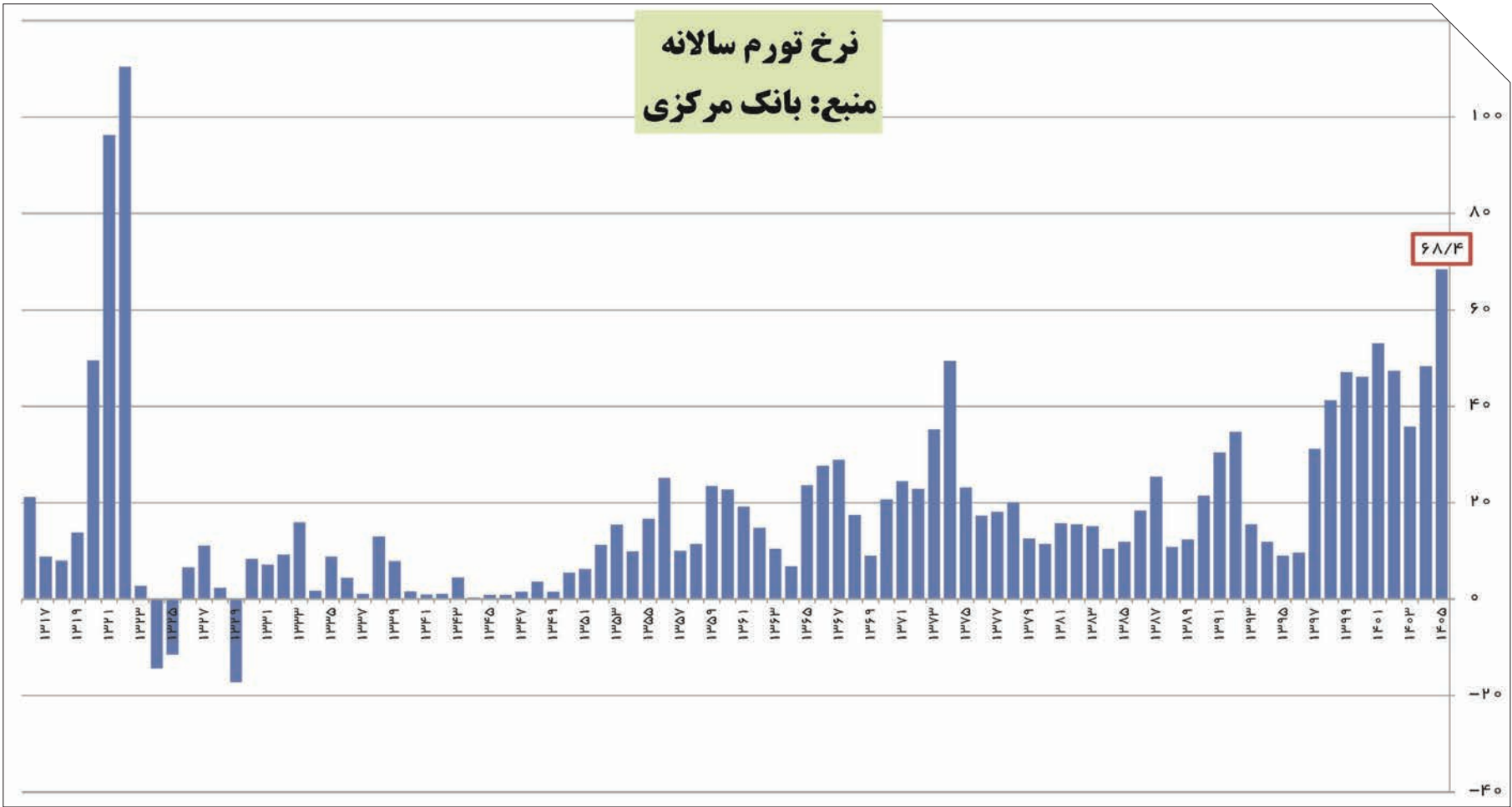
این بازگشت اجباری، اما با هزینه‌های سنگین همراه است. نفتکش‌های ایرانی عبور از هرمز باید با خاموش کردن سیستم دریاب موقعیت (AIS) و در کاروان‌های شبانه تحت محافظت نیروی دریایی آمریکا حرکت کنند. هزینه حمل هر بشکه نفت از خاورمیانه به چین به حدود ۳ دلار رسیده که بالاترین رقم در تاریخ است. بیمه‌نامه‌ها نیز تا ۱۰ درصد ارزش کشتی و محموله افزایش یافته و کاپیتان‌ها و خدمه برای پذیرش این ریسک، ۱۶ تا ۲۰ دلار برای هر بشکه دستمزد خطر دریافت می‌کنند.

عربستان در همین راستا، حدود ۶۰ میلیون بشکه نفت را از طریق هرمز به بندر صحرای عمان می‌فرستد تا در آنجا باروش انتقال کشتی به کشتی، محموله‌ها را به نفتکش‌های بزرگ‌تر منتقل کند. این روش اگرچه صادرات را زنده نگه می‌دارد، اما کاملاً وابسته به امنیت مسیر پرخطر هرمز است و با هرتشدید تنش، می‌تواند متوقف شود.

العربی الجدید به نقل از حسام عایش، کارشناس اقتصادی، آورده است، روی آوردن یک کشور تولیدکننده به خرید نفت یا فرآورده‌های آن از بازار خارجی، نشانه‌ای از فشار و استیصال در شرایطی است که تأمین از مسیر معمول ممکن نیست.

به گفته او، حفظ زمان بندی تحویل به تأمین‌کننده کمک می‌کند رابطه خودبا مشتریان و سهم بازارش را حفظ کند، اما اگر قیمت خرید محموله جایگزین بالا برود، فاصله میان هزینه تأمین و بازده مورد انتظار بیشتر می‌شود. محمد النابیر، کارشناس اقتصادی دیگر، می‌گوید خرید محموله‌های جایگزین حتی با قیمت بالاتر، می‌تواند یک انتخاب تجاری برای حفظ رابطه با مشتریان قراردادهای بلندمدت باشد.

به گفته او، توقف خط شرق-غرب و اختلال کشتیرانی، اهمیت وجود بیش از یک مسیر برای صادرات عربستان را آشکار کرده است.



رئییسی متهم شد، پزشکشان رکورد زد!

علت رکوردزنی دولت چهاردهم در نرخ تورم، حذف ارز ترجیحی و آزادسازی قیمت‌ها در بازارهای مواد غذایی و صنایع مختلف است و ارتباطی به جنگ ندارد

گزارش

✂ براساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه در شهریور ۱۴۰۵ به ۶۸.۴ درصد رسید که بالاترین رقم از سال ۱۳۲۳ تاکنون است. نرخ تورم سالانه در پایان دولت شهید رئیسی ۴۰.۲ درصد بود که با انتقادات گسترده پزشکشان در زمان انتخابات مواجه شد. مسعود پزشکشان در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، یکی از محورهای اصلی انتقاد خود از دولت شهید رئیسی را تورم و فشار معیشتی قرار داد. او در مناظرات انتخاباتی، تورم دولت رئیسی را بالای ۴۰ درصد توصیف کرد و وضعیت نوری آن دولت را مورد انتقاد قرار داد. پزشکشان همچنین در اظهارات انتخاباتی خود بر نقش سیاست‌های دولت در ایجاد تورم تأکید داشت و ناترازی بودجه، برداشت از منابع بانکی و افزایش نقدینگی را از عوامل مؤثر بر افزایش قیمت‌ها دانست، او در یکی از مناظرات انتخاباتی تصریح کرد که تورم به دولت مربوط است و دولت با ایجاد ناترازی و برداشت از بانک‌ها، زمینه افزایش نقدینگی و تورم را فراهم می‌کند. پزشکشان همچنین گفت اگر دولت بزرگ شود و ناترازی ایجاد کند، ناچار به چاپ پول خواهد شد و این فرآیند به افزایش تورم منجر می‌شود. اکنون اما پس از گذشت بیش از دو سال از آغاز به کار دولت چهاردهم، مسئله تورم تنها برطرف نشده، بلکه به سطحی کم‌سابقه رسیده است.

از انتقاد به دولت قبل تا رکورد شکنی در دولت فعلی

پزشکشان در دوران انتخابات، شرایط تورمی دولت شهید رئیسی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌داد و تورم بالای ۴۰ درصد را یکی از نشانه‌های ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت قبل معرفی می‌کرد. در آن مقطع، او تأکید داشت که ریشه تورم را باید در ناترازی بودجه، رشد نقدینگی، عملکرد بانک‌ها و نحوه مدیریت دولت جست‌وجو کرد. اما اکنون همین شاخص‌ها به مهم‌ترین پرسش درباره عملکرد دولت چهاردهم تبدیل شده‌اند: اگر ناترازی بودجه، چاپ پول و رشد نقدینگی از عوامل اصلی تورم هستند، دولت پزشکشان در نزدیک به دو سال گذشته برای مهار این عوامل چه نتیجه‌ای به دست آورده است؟

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که برخی مقام‌های خود دولت نیز صراحتاً از تداوم ناترازی بودجه و تأمین کسری از مسیر پولی سخن گفته‌اند. محمد جعفر قائم‌مبنا، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در شهریور ۱۴۰۵ درباره رابطه کسری بودجه و تورم گفت: «به دلیل اینکه بودجه‌مان ناتراز است، مجبوریم پول چاپ کنیم. پول که



چاپ می‌شود، خودش تورم ایجاد می‌کند.» این اظهارنظر در واقع همان سازوکاری را توضیح می‌دهد که پزشکشان در زمان انتخابات نسبت به آن هشدار داده بود؛ با این تفاوت که اکنون این مسئله در دوره مسئولیت دولت او قرار دارد.

وعده‌ها و تورم؛ کارنامه‌ای متفاوت با شعار انتخاباتی

پزشکشان در دوران انتخابات، صرفاً منتقد سطح تورم نبود، بلکه درباره علل ایجاد تورم نیز موضع‌گیری مشخص داشت. او تأکید می‌کرد که دولت نباید با افزایش هزینه‌ها و ایجاد کسری، بانک‌ها را برای تأمین منابع تحت فشار قرار دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گزارش سیاست پولی شهریور ۱۴۰۳ هشدار داده بود که ادامه رشد نقدینگی، ناترازی شبکه بانکی، تسهیلات تکلیفی و مشکلات ترازنامه بانک‌ها می‌تواند به تداوم فشارهای تورمی منجر شود.

تورم؛ فشار مستقیم بر سفره مردم

تورم ۶۸.۴ درصدی صرفاً یک عدد در گزارش‌های اقتصادی نیست؛ معنای آن افزایش شدید هزینه زندگی خانوارها و کاهش قدرت خرید درآمد‌ها ثابت است. وقتی تورم برای مدت طولانی در سطوح بالا باقی می‌ماند، حقوق و دستمزد خانوارها با فاصله زمانی و معمولاً

کمتر از سرعت افزایش قیمت‌ها تعدیل می‌شوند. در نتیجه، حتی در شرایطی که درآمد اسمی خانوار افزایش پیدا کند، از همین منظر، فاصله میان وعده‌های انتخاباتی درباره کنترل تورم و عملکرد تورمی دولت چهاردهم، مستقیماً به معیشت مردم مربوط می‌شود.

تناقضی که دولت باید به آن پاسخ دهد مسئله اصلی اکنون این است که پزشکشان در زمان انتخابات، تورم، کسری بودجه، رشد نقدینگی و برداشت از منابع بانکی را از مشکلات قابل اصلاح می‌دانست؛ اما در دوره مسئولیت او وضعیت بدتر شده است. پزشکشان حتی در اظهارات بعدی خود نیز تصریح کرده است که «عامل تورم در این شرایط، و سوسه استفاده از زور برای تغییر شروط

دولت است و بانک‌ها» و توضیح داده بود که وقتی قانون و تعهد مالی ایجاد می‌شود اما منابع کافی وجود ندارد، دولت ناچار

ایران مقاومت کند و آثار محاصره را تا حدی کنترل کند که واشنگتن نتواند موفقیت آن را اعلام کند، مشکل به خود نژام منتقل می‌شود. او نه به توافق مورد نظرش می‌رسد نه تحریم‌ها نتیجه وعده‌ده‌شده را می‌دهند. در این شرایط، و سوسه استفاده از زور برای تغییر شروط مذاکره افزایش می‌یابد. بدون عملیات زمینی و با کنار گذاشتن گزینه هسته‌ای، گزینه‌های اومحدوده حملات هوایی و موشکی، گسترش محاصره دریایی و هدف قرار دادن تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران است. این اقدامات می‌تواند ویرانی عظیمی به بار آورد، اما پرسش بی‌پاسخ این است: چگونه این ویرانی به پذیرش شروط آمریکا از سوی ایران ترجمه می‌شود؟ بخشی از این معادله از همین حالا زومده شده است.

به تأمین مالی پولی می‌شود و تورم ایجاد می‌شود. بنابراین، پرسش افکار عمومی صرفاً این نیست که چرا تورم افزایش یافته است؛ بلکه این است که چرا راهکارهایی که پزشکشان در زمان انتخابات برای مهار تورم مطرح می‌کرد، در دولت خودش به نتیجه نرسیده است؟

از تورم بالای ۴۰ درصد تا تورم ۶۸ درصدی

در دوران انتخابات، تورم بالای ۴۰ درصد از سوی پزشکشان به عنوان یک مسئله جدی و قابل انتقاد مطرح می‌شد. اکنون، نرخ تورم سالانه به ۶۸.۴ درصد رسیده یعنی حدود ۲۸ واحد درصد بالاتر از سطح ۴۰ درصدی که در آن زمان محل انتقاد پزشکشان بود. به بیان دیگر، مسئله فقط تداوم تورم بالا نیست؛ بلکه افزایش فاصله میان سطح تورم مورد انتقاد در زمان انتخابات و سطح تورم ثبت شده در دوره مسئولیت دولت چهاردهم است. پزشکشان در انتخابات ۱۴۰۳ با وعده اصلاح ساختارهای اقتصادی، مقابله با ناترازی‌ها و مهار عوامل ایجاد تورم به میدان آمد. او به طور مشخص درباره پیامدهای کسری بودجه، چاپ پول، رشد نقدینگی و عملکرد بانک‌ها هشدار داده بود.

اکنون که دولت چهاردهم در پایان دومین سال فعالیت خود قرار دارد، تورم به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی این دولت تبدیل شده است و با تورم ۶۸.۴ درصدی شهریور ۱۴۰۵، اقتصاد ایران با یکی از کم‌سابقه‌ترین سطوح تورم سالانه در تاریخ معاصر خود مواجه است. در چنین شرایطی، مهم‌ترین پرسش از دولت این است: اگر همان عواملی که پزشکشان در دوران انتخابات عامل تورم معرفی می‌کرد همچنان با پرجاست، پس تفاوت سیاست اقتصادی دولت چهاردهم با سیاست‌هایی که او در دوران انتخابات از آنها انتقاد می‌کرد، در کجاست؟ مسئولیت دولت، صرفاً توضیح دادن درباره ریشه‌های تورم نیست؛ بلکه ارائه نتیجه ملموس در کاهش فشار تورمی بر زندگی مردم است.

پزشکشان در دوران انتخابات، شرایط تورمی دولت شهید

رئییسی را به شدت مورد

انتقاد قرار می‌داد و تورم بالای

۴۰ درصد را یکی از نشانه‌های

ناکارآمدی سیاست‌های

اقتصادی دولت قبل معرفی

می‌کرد. در آن مقطع، او تأکید

داشت که ریشه تورم را باید

در ناترازی بودجه، رشد

نقدینگی، عملکرد بانک‌ها

و نحوه مدیریت دولت

جست‌وجو کرد

قرار گیرند؛ موضوعی که هزینه حفاظت را بالای می‌برد و اثر هر نفوذ یا صامت را چند برابر می‌کند. هرچه تبادل آتش طولانی‌تر شود، احتمال پایان جنگ با یک ضربه قاطع کمتر و احتمال فروپاشی فرسایشی برای دو طرف و متحدانشان بیشتر می‌شود.

نفت، بیمه و گازوئیل؛ زنجیره‌ای که همه را تحت فشار می‌گذارد

بازار نیز در این جنگ صدای خود را ندارد. تنها با احتمال اختلال در گذرگاه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد، پیش از آنکه اختلالی کامل رخ دهد. وقتی پالایشگاه‌ها، نفتکش‌ها و بندرها در خطر قرار می‌گیرند، فقط قیمت هر بشکه بالا نمی‌رود؛ هزینه بیمه و حمل و نقل افزایش می‌یابد و فشار بر بنزین و گازوئیل و سپس بر قیمت‌ها و بورس هاشد می‌گیرد.

بحران گازوئیل هم اکنون با اختلال در تأمین سوخت ظاهر شده و تولیدکنندگان به مسیرهای پرهزینه‌تر روی آورده‌اند تا بخشی از صادرات خود را حفظ کنند. جنگی جدید بر فراز این شکنندگی، هزینه اقتصادی آن را به بخشی از تصمیم برای توقف جنگ تبدیل می‌کند.

نویسنده در پایان آورده است: به همین دلیل، باید امتیازهای پیشنهادی برای هیچ‌یک از دو طرف جذاب نیست، بلکه به این دلیل که جایگزین نظامی آن راهی به پیروزی قطعی نمی‌گشاید. واشنگتن می‌تواند ویرانی زیادی به بار آورد و تهران می‌تواند دامنه پاسخ را گسترش دهد و هزینه نفت و دیپلوماسی را بالا ببرد.



حملات نشان دادند که توان تخریب بالاست، اما ایران نیز نشان داده که می‌تواند پاسخ دهد و ترافیک دریایی را مختل کند. اگر حملات به زیرساخت‌ها گسترش یابد، تأسیسات انرژی و بنادر خلیج فارس و اسرائیل خارج از حساب پاسخ ایران نخواهند بود. در آن مرحله، نبرد فقط مقایسه هواپیما و موشک نیست، بلکه رقابت بر سر تحمل اختلال اقتصادی و گستردگی اهداف است. مسئله پدافند هوایی نیز همین جا اهمیت می‌یابد. هر موج بزرگ موشک و پهپاد، رهگیری‌های پرهزینه‌ای می‌طلبد و پایگاه‌ها، کشتی‌ها، شهرها و تأسیسات انرژی را در صف حفاظت قرار می‌دهد. فرسایش این سامانه‌ها در ادامه جنگ باعث می‌شود ناوهای آمریکایی خود به خود در معرض دید و آسیب

نمی‌تواند به سادگی اعلام کند که مذاکره به بن‌بست خورده و منتظر نتیجه محاصره بماند.

اگر پنجره توافق بسته شود، با فاصله این پرسش مطرح می‌شود: چه کسی جنگ را آغاز می‌کند و تا کجا می‌تواند پیامد‌های آن را کنترل کند؟ تماس‌های غیرمستقیمی که در نیویورک از طریق واسطه‌ها جریان دارد، نشان می‌دهد که این پنجره هنوز باز است، اما این پرسش

را از میان برمی‌دارد. قنبدیل در ادامه دو سناریو برای ورود به یک رویارویی گسترده‌تر را قابل طرح می‌داند و می‌نویسد بر مبنای سناریوی نخست اگر محاسبه آمریکا بر این باشد که تحریم‌ها و محاصره می‌تواند اقتصاد ایران را خفه کند، در آن صورت فشار نه تنها به تسلیم تهران منجر نمی‌شود، بلکه نتیجه عکس می‌دهد.

تهران ترجیح می‌دهد به جای نمایش انباشت تدریجی فشار، آن را با قدرت بشکند. در این حالت، ایران می‌تواند کنترل خود بر تنگه هرمز را تشدید کند، نفتکش‌هایی را که خلاف شرایطش عبور می‌کنند هدف بگیرد، یا هر بار که یک نفتکش ایرانی متوقف می‌شود، به کشتی‌های محاصره‌کننده پاسخ دهد. حتی ممکن است محاصره دریایی و هوایی علیه بنادر و فرودگاه‌های اسرائیل اعلام کند؛ اقدامی که خطر گسترش جنگ به بازیگران دیگر را به همراه دارد.

رویارویی مستقیم با ناوهای جنگی آمریکا اما خطرناک‌ترین مرحله است. زیرا به سرعت تنش را از فشار متقابل به جنگ تمام‌عیار تبدیل می‌کند. به نوشته سردبیر البناء سناریوی دوم این است که اگر ترامپ هم پس از این همه تهدید و بالا بردن مطالبات،

۲ سناریویی که محاصره اقتصادی ایران را به بن‌بست می‌کشاند

ناصر قنبدیل، تحلیلگر لبنانی در سرمقاله خود

دو سناریویی را تشریح کرد که محاصره اقتصادی ایران را به بن‌بست می‌کشاند: سناریوهایی که در آن، ویرانی به پذیرش شروط آمریکا ترجمه نمی‌شود و جنگ با هر بشکه نفت ایران ترمی شود.

ناصر قنبدیل، سردبیر روزنامه البناء، لبنان، در سرمقاله خود با نگاهی اقتصادی به بن‌بست تنش‌های آمریکا و ایران پرداخته و تأکید کرده که ادامه فشار حداکثری نه تنها تهران را به زانو در نمی‌آورد، بلکه هزینه‌های آن برای خودواشنگتن و بازار جهانی انرژی چنان سنگین می‌شود که راهی جز بازگشت به میز مذاکره باقی نمی‌ماند.

در این یادداشت آمده این روزها برخی از تحلیلگران از احتمال شکست مسیر مذاکره کنونی میان آمریکا و ایران سخن می‌گویند. استدلال آن‌ها این است که ترامپ با بالا بردن سقف تحریم‌ها و محاصره اقتصادی، وسوسه شده تا به جای توافق، به دنبال تسلیم کامل یا تغییر بنیادین در شروط مذاکره باشد.

تیم او گمان می‌کند که محاصره و تحریم، گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر از جنگ است و ایران نه توان دارد و نه می‌تواند مقاومت کند؛ پس ناچار به مذاکره با سقفی پایین‌تر از توافق پرجام خواهد شد.

به عقیده نویسنده اما واقعیت این است که شکست مذاکرات به معنای بازگشت به وضعیت قبل نیست. تحریم‌ها، محاصره و تهدید امنیت دریایی، ابزارهای فشاری هستند که نمی‌توانند تا بی‌نهایت ادامه یابند. ترامپ هم پس از این همه تهدید و بالا بردن مطالبات،



بانک گردشگری هیچ گونه بدهی ارزی وریالی به وزارت نفت وسایر واحدهای صادرکننده ندارد

بیگدلی، مدیرعامل بانک گردشگری، با تأکید برایفاى کامل تعهدات ارزی وریالی این بانک گفت: بانک گردشگری تمامی تعهدات خود را در قبال دستگاه‌هاى صادرکننده محصولات و سایر واحدهای مرتبط با صادرات کشور، از جمله وزارت نفت، شرکت‌های پتروشیمی و شرکت ملی مس، در چارچوب ضوابط و مقررات بانكى ایفا کرده و هیچ گونه بدهی یا تعهد ایفانشده‌ای نزد دستگاه‌های مذکور ندارد.

وی افزود: بانک گردشگری همانند سایر بانک‌ها در چارچوب وظایف حرفه‌ای خود، خدمات بانکی مرتبط با فعالیت تراستی‌ها را انجام داده است و در مواردی که برخی تراستی‌ها به تعهدات ارزی وریالی خود عمل نکرده‌اند، موضوع با جدیت از مسیرهای قانونی و قضایی پیگیری شده و برای آنها پرونده تشکیل شده است.

بیگدلی تصریح کرد: علیرغم عدم ایفاى تعهدات ارزی وریالی از سوی برخی تراستی‌ها، بانک گردشگری ضمن انجام اقدامات قضایی در مقابل نامبردگان، تمامی تعهدات ارزی وریالی در قبال دستگاه‌های ذی ربط را انجام داده است. بخش عمده مطالبات بانک از محل تعهدات ارزی تراستی‌ها تاکنون وصول شده و پیگیری برای وصول مابقی مطالبات نیز از طریق فرآیندهای قانونی و قضایی ادامه دارد؛ ضمن آنکه وثایق و تضمین‌های مربوط به این تعهدات نزد بانک محفوظ است و بانک گردشگری با استفاده از تمامی ظرفیت‌های قانونی، حقوق خود و منافع و حقوق قانونی سپرده‌گذاران و سایر ذی‌نفعان را پیگیری خواهد کرد.

بیگدلی با قدردانی و تشکر از اقدامات قوه قضاییه وسازمان بازرسی گفت: رسیدگی سریع و به‌موقع دستگاه‌های قضایی و نظارتی همچون قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور و نهادهای مرتبط، در تسریع تعیین تکلیف پرونده‌ها و استیفای حقوق قانونی بانک راهگشا بوده است.

خالی‌فروشی طلا مقابل چشم ۱۰ نهاد ناظر

۱۰ دستگاه مختلف از بانک مرکزی و دادستانی تا وزارت صمت و پلیس

بر بازار طلای آنلاین نظارت دارند؛ با این حال دسترسی برخی کاربران به طلای خود همچنان با محدودیت و ابهام روبه‌روست. فعالیتی سرکوبای معاملات آنلاین طلا قرار بود با حضور چندین دستگاه حاکمیتی و راه‌اندازی یک سامانه نظارتی هوشمند، شفاف و قابل کنترل شود اما تکرار اختلال در دسترسی کاربران به دارایی‌هایشان از پلتفرم فروش طلای آنلاین زیباد تا میلی نشان می‌دهد هنوز مهم‌ترین حلقه این زنجیره یعنی تضمین دسترسی صاحب دارایی به طلای خود به نتیجه نرسیده است. بر اساس ماده ۱۸ «دستورالعمل اجرایی خرید و فروش طلا و نقره به صورت برخط» کارگروهي با مسئولیت ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و با حضور ۹ دستگاه دیگر تشکیل شده است.

یعنی درمجموع ۱۰ دستگاه در سازوکار نظارت ورسیدگی به تخلفات سرکوبای

معاملات آنلاین طلا نقش دارند.

از دادستانی کل کشور و بانک مرکزی گرفته تا وزارت صنعت، معدن وتجارت، وزارت اطلاعات، سازمان تعزیرات حکومتی، فرماندهی انتظامی، مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد و اتاق اصناف ایران، مجموعه‌ای از نهادهای قضایی، اقتصادی، نظارتی و انتظامی در این کارگروه حضور دارند.

با این حال مسئله‌ای که برای خریدار اهمیت دارد نه تعداد دستگاه‌های ناظر بلکه این است که اگر امروز تصمیم گرفت طلای خود را بفروشد یا طلای فیزیکی‌اش را تحویل بگیرد، به دارایی خود دسترسی داشته باشد. **از زیباد تا میلی: مسئله‌ای که دوباره تکرار شد**

این مسئله پیش از این در ماجرای زیباد مطرح شد و حالا دوباره با میلی به سطح عمومی بازگشته است. در مورد میلی گلد این پلتفرم اعلام کرده که طلای کاربران در خزانه‌های بانکی نگهداری می‌شود و در عین حال محدودیت دسترسی به ذخایر طلای سپرده‌شده در بانک کارگشایی باعث

تاخیر در بخشی از تسویه‌ها شده است.

همچنین در نامه‌ای که به‌تازگی از سوی میلی منتشر شده از وجود ۹۶۵ کیلوگرم طلای مربوط به تعهدات کاربران در خزانه‌های بانکی و ایجاد

محدودیت برای دسترسی به این ذخایر سخن گفته شده است. حتی اگر ادعای وجود کامل پشتوانه را بپذیریم در حال حاضر مسئله بسیاری از کاربران دسترسی به دارایی‌های آن‌هاست. درست است که باید موجودی طلای پلتفرم به‌طور کامل در خزانه موجود و قابل تطبیق باشد اما دسترسی کاربر به دارایی خود نیز باید کامل و بدون مانع برقرار باشد.

طلايي که مالک آن نتواند در زمان نیاز به آن دسترسی داشته باشد عملاً با مسئله‌ای جدی در «حقوق مالکیت و دسترسی» روبه‌رو است.

هشت ماه تاخیر در اجرای یک وعده نظارتی

از طرف دیگر هیات وزیران دستورالعمل مربوط به معاملات برخط طلا و نقره را تصویب و این مصوبه در آبان ۱۴۰۳ ابلاغ شد. بر اساس همین مصوبه بانک مرکزی مکلف شد سامانه ناظر را برای پایش معاملات، موجودی طلا و تطبیق تعهدات سرکوب‌طراحی و راه‌اندازی کند؛ مهلت تعیین‌شده برای این کار سه ماه بود. اکنون با گذشت بیش از هشت ماه از مهلت سه‌ماهه، سامانه ناظر هنوز به‌اجرای عمومی و کامل نرسیده است. در شهپور امسال اعلام شد تنها دو پلتفرم به‌صورت داوطلبانه و در مرحله پایلوت به سامانه متصل شده‌اند و مهلت اتصال عمومی نیز تمدید شده است؛ همچنین هنوز درباره راهبری نهایی سامانه ابهام‌هایی وجود دارد.

در حال حاضر مسئله فقط عملکرد یک پلتفرم یا یک دستگاه خاص نیست

بلکه مسئله عملکرد مجموعه‌ای از نهادهایی است که طبق قانون مسئول نظارت بر این بازار شده‌اند. وقتی با وجود حضور ۱۰ دستگاه در ساختار نظارتی، کاربران همچنان برای دسترسی به دارایی خود با محدودیت و ابهام مواجه‌اند این پرسش جدی مطرح می‌شود که سازوکار نظارت دقیقاً قرار است از چه چیزی صیانت کند. در شرایط جنگ و فشار اقتصادی سرمایه‌ی مردم نباید درگیر بوروکراسی دستگاه‌ها شود و هیچ نهادی چه پلتفرم معاملات طلا و چه دستگاه ناظر و امنیتی نباید در برابر دسترسی مردم به دارایی‌شان ممنون یا پاسخگویی باشد. مردم باید هر زمان که اراده کردند بتوانند به طلای خود دسترسی داشته باشند و مسئولیت این اطمینان نیز بر عهده مجموعه دستگاه‌هایی است که برای نظارت بر این بازار تعیین شده‌اند.

■ چهارشنبه ۸ مهر ۱۴۰۵

■ ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۸

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ شماره ۵۶۸

■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳

■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



بازار تایر در تله گرانی و رکود؛

تعویض ۴ حلقه لاستیک چقدر هزینه دارد؟

گزارش

بازار تایر با وجود تأمین مناسب برخی سایزهای پرمصرف، بافت تقاضا روبه‌روست؛ افزایش هزینه‌ها و کاهش قدرت خرید باعث شده بخشی از مالکان، تعویض لاستیک را به تعویق بیندازند. در مغازه‌های لاستیک‌فروشی تهران، تصویر بازار با آنچه در دوره‌های کمبود و صف خرید لاستیک دیده می‌شد، تفاوت دارد؛ تایر در فروشگاه‌ها موجود است، بسیاری از سایزهای پرمصرف پیدا می‌شود، اما مسئله اصلی فروشنده‌ها نه تأمین کالا، بلکه پیدا کردن مشتری است.

فعالان بازار می‌گویند بخشی از مالکان خودرو که پیش از این با نزدیک شدن زمان تعویض لاستیک راهی بازار می‌شدند، حالا خرید را تا حد امکان عقب می‌انند؛ تغییری که بیش از آنکه ناشی از کاهش نیاز خودرو به تایر باشد، به کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان مربوط است. محمد زلال سارار، رئیس اتحادیه صنف فروشندگان لاستیک، روغن و پنچرگیران تهران نیز همین تغییر رفتار را تأیید کرده و می‌گوید: حتی لاستیک با قیمت مصوب نیز در بازار مشتری کافی ندارد. به گفته او، در حال حاضر مشکل جدی از نظر تأمین لاستیک وجود ندارد و واحدهای صنفی می‌توانند کالای مورد نیاز خود را تهیه کنند. به این ترتیب، بازار تایر در آغاز پاییز ۱۴۰۵ با یک تناقض روبه‌روست؛ کالا در بازار وجود دارد، اما قدرت خرید برای تبدیل موجودی فروشگاه‌ها به فروش کافی نیست.

هزینه تعویض لاستیک برای خودروهای پرمصرف چقدر است؟

برای درک بهتر فشار هزینه‌ای بازار، کافی است قیمت چند سایز پرمصرف لاستیک داخلی بررسی شود. البته قیمت نهایی به برند، مدل، تاریخ تولید و محل خرید بستگی دارد و به همین دلیل نمی‌توان برای هر خودرو نرخ ثابت تعیین کرد. بررسی‌های

خبرنگار مهر نشان می‌دهد که قیمت یک جفت لاستیک باز، ۶۶۴ در سایز ۱۶/۵R۱۳، مناسب پراید، حدود ۸۰۲ میلیون تومان ثبت شده است. در همین فهرست، باز ۶۴۸R۱۳ در سایز ۱۶/۵R۱۳ حدود ۱۶۰۴ میلیون تومان برای دو حلقه قیمت‌گذاری شده است. در بازار آزاد نیز برای سایز ۱۶/۵R۱۳، قیمت‌هایی متفاوت از حدود ۸ تا بیش از ۱۰ میلیون تومان برای یک جفت بسته به برند و مدل دیده می‌شود. برای نمونه، کویر KB۱۲ برای این سایز ۹۰۳ میلیون تومان برای دو حلقه اعلام شده است.

در مورد تیبا، ساینا و کوئیک، سایز ۱۶/۵R۱۳ برای سایزهای مورد استفاده است. کویر KB۳۴ برای دو حلقه حدود ۵۰۸ میلیون تومان اعلام شده؛ در برخی فهرست‌های دیگر همین محصول با قیمت نزدیک به ۹۰۸ تا ۹۰۹ میلیون تومان برای دو حلقه عرضه شده است که نشان می‌دهد تفاوت محل فروش، زمان عرضه و

نوع بازار می‌تواند قابل توجه باشد.

برخلاف بازار رای می‌توان در رفتار مشتریان هم دید؛ مالکی که پیش‌تر با مشاهده فرسودگی تایر برای تعویض هر چهار حلقه اقدام می‌کرد، حالا ممکن است خرید را به دو حلقه محدود کند یا حتی تعویض را به ماه‌های بعد موکول کند. این رفتار از منظر اقتصاد قابل درک است، اما از نظر ایمنی مسئله متفاوت است. تایر کالایی نیست که بتوان تعویض آن را بدون محدودیت به تأخیر انداخت. کاهش عمق

آج، ترک خوردگی، آسیب دیواره و فرسودگی ساختاری می‌تواند عملکرد تایر را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، کاهش تقاضای

«فعلاً چهار حلقه را عوض نمی‌کنم»

روایت بازار را می‌توان در رفتار مشتریان

هم دید؛ مالکی که پیش‌تر با مشاهده

فرسودگی تایر برای تعویض هر چهار حلقه اقدام می‌کرد، حالا ممکن است خرید را به دو حلقه محدود کند یا حتی تعویض را به ماه‌های بعد موکول کند. این رفتار از منظر اقتصاد قابل

درک است، اما از نظر ایمنی مسئله متفاوت است. تایر کالایی نیست که بتوان تعویض آن را بدون محدودیت به تأخیر انداخت. کاهش عمق آج، ترک خوردگی، آسیب دیواره و فرسودگی ساختاری می‌تواند عملکرد تایر را تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، کاهش تقاضای

کلان استفاده شود. با این حال، غلبه نگاه سیاسی و

ترجیح پرداخت نقدی، سبب شد که اصلاح قیمت انرژی تنها یک اثر رفتاری ناچیز و کمتر از ۱۰ درصدی در کاهش مصرف برای بگذارد و پس از مدتی کوتاه، شدت مصرف انرژی مجدداً به مسیر صعودی خود بازگردد. **پروژه کارت سوخت:** این فناوری برجسته با نقد نحوه اجرای سامانه کارت سوخت اعلام کرد که اصرار کارشناسی وی برمتصل کردن سهمیه سوخت به شناسنامه و پلاک خودرو از طریق سامانه‌های پایش و رصد هوشمند) نادیده گرفته شد. تخصیص سهمیه به کارت‌های مجزا بدون اتصال به هویت خودرو، نتوانست به‌طور کامل جلوی قاچاق سامان یافته را بگیرد؛ با مصرف سوخت راه به‌صورت پایدار مدار مهار کنند؛ زیراسیاست‌گذار بدون انتخاب درست فناوری و ابزار پایش، تنها به ابزار محدود

سهمیه‌بندی بسنده کرد.

درس‌آموخته‌ها بانکداری الکترونیک: الگوی موفق

اعتمادسازی ملی

فاطمی اردکانی با مقایسه ناکامی‌های حوزه انرژی با جوش موفق کشور در عرصه «بانکداری الکترونیک»، تصریح کرد: فناوری توانسته است در دهه ۱۳۸۰ باورهای غیرممکن را به واقعیتی ملموس تبدیل کند. وی یادآور شد در شرایطی که برخی مدیران وقت ادعای می‌کردند امکان حذف اسکاس با ایجاد زیرساخت‌های بانکی وجود ندارد، جامعه فناوری اثبات کرد که مشکل اصلی نه در زیرساخت و امکانات، بلکه در عرضه مدیریت هوشمند است. به گفته وی، موفقیت حذف اسکاس و جایگزینی پرداخت‌های الکترونیک بر دوپایه استوار بود: ایجاد اعتمادسازی در لحظه؛ ارسال پیامک و بازخورد آتی تراکنش به خریدار و فروشنده، حس امنیت و دسترسی پذیری مالی را در لحظه ایجاد کرد.

ارتقای دسترسی‌پذیری و رفاه؛ مردم دریافتند که

بدون نیاز به مراجعه حضوری به شعبه‌ها یا لابی‌های اداری، می‌توانند خدمات مالی را با سرعت و شفافیت دریافت کنند.

چهار رکن اساسی در الگوی بومی مدیریت انرژی و طرح

فاطمی اردکانی با استناد به تجربه طراحی و اجرای طرح «مهان» مدل عملیاتی خود را برای حل ناترازی انرژی بر پایه چهار رکن اصلی تبیین کرد:

اعتمادسازی دیجیتال (تای به جای وعده‌های نسیه

در مدل‌های سنتی، پادشاه یا زبانی‌های صرفه‌جویی به انتهای ماه یا سال واگذار می‌شد که اثر رفتاری خود را از دست می‌آد. اما در الگوی فناوری‌محور طرح

لاستیک را نمی‌توان صرفاً نشانه آرام شدن بازار دانست. اگر بخشی از افت فروش ناشی از به تعویق افتادن تعویض تایرهای فرسوده باشد، تقاضایی که امروز از بازار خارج شده، در واقع از بین نرفته و فقط به آینده منتقل شده است.

تولیدکننده از آن سوی بازار هشدار می‌دهد

در طرف دیگر زنجیره، تولیدکنندگان با مسئله‌ای متفاوت مواجه‌اند. جمال میرزایی، رئیس انجمن تایر می‌گوید: صنعت تایر کشور سالانه حدود ۳۰۰ هزار تن تایر تولید می‌کند و بین ۳۵ تا ۴۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز این صنعت از طریق واردات تأمین می‌شود. به گفته میرزایی، سالانه حدود ۱۲۰ تا ۱۲۰ هزار تن مواد اولیه وارد کشور می‌شود و ارزشی این بخش بیش از ۳۰۰ میلیون یورو است. او همچنین از تأخیر بیش از دوماهه در ورود مواد اولیه و فشار ناشی از افزایش هزینه‌های تولید و تأمین مالی سخن گفته است. مشکل اما فقط ارز نیست. هزینه حمل مواد اولیه نیز به یکی از فشارهای مهم زنجیره تولید تبدیل شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هزینه حمل هر کانتینر مواد اولیه تایر از چین که پیش‌تر حدود هزار و ۲۵۰ دلار بود، در پیشنهادهای جدید به حدود ۲۲ تا ۲۵ دلار هزار رسیده است. زمان انتقال نیز در برخی مسیرها تا حدود سه ماه افزایش یافته است؛ یعنی در حالی که مصرف‌کننده از گرانی لاستیک گلایه دارد، تولیدکننده نیز با افزایش هزینه تولید و تأمین مواد اولیه مواجه است.

بازار در نقطه‌ای بین رکود و گرانی

این وضعیت معادله بازار لاستیک را پیچیده کرده است. از یک طرف، افزایش هزینه مواد اولیه، حمل‌ونقل و تولید می‌تواند فشار برای افزایش قیمت تایر را بیشتر کند و از طرف دیگر، افزایش قیمت، توان خرید مصرف‌کننده را بیش از گذشته کاهش می‌دهد از یک طرف، افزایش هزینه مواد اولیه، حمل‌ونقل و تولید می‌تواند فشار برای افزایش قیمت تایر را بیشتر کند و از طرف دیگر، افزایش قیمت، توان خرید مصرف‌کننده را بیش از گذشته کاهش می‌دهد. داده‌های بازار نیز نشان می‌دهد قیمت تایر در ماه‌های اخیر ثابت نمانده است. در نتیجه، برای مالک خودروی اقتصادی، تعویض کامل لاستیک دیگر یک هزینه چندمیلیون تومانی ساده نیست؛ هزینه‌ای که در کنار تعمیرات، قطعات، بیمه، سوخت و سایر مخارج نگهداری خودرو قرار می‌گیرد و می‌تواند تصمیم برای تعویض تایر را به تعویق بیندازد.

این وضعیت در حالیست که خودروها همچنان در حال تردد هستند، تایرها همچنان فرسوده می‌شوند و نیاز به تعویض از بین نمی‌رود؛ فقط بخشی از این تقاضا به آینده منتقل می‌شود.

این موضوع زمانی اهمیت بیشتری

پیدا می‌کند که بازار دوباره با افزایش

هزینه تولید یا شوک ارزی مواجه

شود. در آن صورت، ممکن است

افزایش قیمت تایر با تقاضایی

مواجه شود که طی ماه‌های رکود

به تعویق افتاده است. بنابراین

رکود بازار فقط یک مسئله اقتصادی

نیست. بخشی از مصرف‌کنندگان

ممکن است استفاده از تایرهای

فرسوده را طوالتی تر کنند و این

مسئله می‌تواند پیامد‌های امنیتی

داشته باشد. از سوی دیگر، اگر فشار

هزینه‌های تولید ادامه پیدا کند،

قیمت تایر افزایش یابد. فاصله میان

توان خرید خانوار و هزینه تعویض

لاستیک بیشتر خواهد شد.

ابزارهای فناوریانه نظیر ترموستات‌های هوشمند و

تجهیزات کم‌مصرف، صداقت و همراهی کامل خود

را نشان می‌دهند.

نقشه راه اجرایی برای حل بحران بنزین وسایر حامل‌ها

وی در بخش دیگری از اظهارات خود به حساسیت

فوق‌العاده روانی و اجتماعی نرخ بنزین در جامعه اشاره

کرد و افزود: اگرچه نسبت به ۲۰ سال گذشته درآمد

خانوارها افزایش یافته و هزینه سوخت سهم ناچیزی از

سبد هزینه خانواد را تشکیل می‌دهد، اما تقابل مستقیم

مردم با کارت خوان و نازل در جایگاه‌های بنزین، این

موضوع را به یک نقطه بحران تبدیل کرده است.

راهکار پیشنهادی فناوریانه برای سوخت:

حذف کامل اصطکاک فیزیکی در جایگاه‌ها (بدون

نیاز به کارت سوخت فیزیکی یا پرداخت وجه نقد در

پای پمپ).

بهره‌گیری از فناوری شناسایی هوشمند خودرو (پردازش

تصویر پلاک و پایش دوربین‌ها) و اعطای اعتبار ترجیحی

به هویت خودرو. تسویه حساب‌های پس‌زمینه و دوره‌ای،

تسویه از طریق عوارض یا قبوض بانر شوک‌های تأخیر اندک

و برداشتن فشار روانی مستقیم از روی نازل سوخت.

وی اعلام کرد که الگویی شرکت‌های کارور انرژی اکنون

در حال تسری به حوزه‌های آب و برق نیز هست و با

تصویب این نامه‌ها، امکان توسعه بازار بهینه‌سازی

در تمامی ابعاد فناوریانه انرژی فراهم شده است.

دستاوردهای تقنینی و چشم‌انداز ۲۰۰ درصدی صرفه‌جویی

انرژی

فاطمی اردکانی با تشریح مسیری طی‌شده برای تثبیت این

الگوی فناوریانه در ارکان حاکمیت گفت: زمانی که این

طرح آغاز شد، بسیاری از مدیران آن را نادیده گرفته یا

غیرممکن می‌دانستند؛ اما با ارائه گزارش‌های رسمی

مرکز پژوهش‌های مجلس و انعکاس داده‌های عملیاتی،

موضوع به سطح اول تصمیم‌گیری کشور راه یافت.

برنامه عطفان این مسیر را تصویب ماده ۴۷ قانون

و به‌همین‌همین توسعه‌دانشت که صراحتاً الگویی اثبات‌شده

بهینه‌سازی را در استفاده از ظرفیت تولیدی

کاربر انرژی را به قانون صوب کشور تبدیل کرد.

این کارشناس حکمرانی در پایان تأکید کرد که با اجرای

کامل این الگو و بازگویی بازار بورس انرژی، طرف‌آتا ۲۱

سال آینده می‌توان شاهد دستاوردهای بزرگی همچون

تخفیف ۲۰ درصدی صرفه‌جویی در کل مصرف انرژی

کشور و شدن شفافیت در بازار انرژی بود؛ دستاوردی

که کشور را از ناترازی‌های خانمان‌سوز نجات داده و

ثروت ملی را حفظ خواهد کرد.